

تاریخمندی توسعه

از نگاه هشام جعیت

به اهتمام:

عبدالله ناصری طاهری

www.ketab.ir



انتشارات فروارید

عنوان و نام پدیدآور:	تاریخ‌مندی توسعه، از نگاه هشام جعیت [گردآورنده عبدالاله بلقزیز]: به اهتمام عبدالله ناصری طاهری.
عنوان قراردادی:	التاریخ و التقدم: دراسات فی اعمال هشام جعیت. فارسی
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات مروارید، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری:	۲۱۶ ص
شابک:	978-964-191-920-9
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	جعیت، هشام - نقد و تفسیر
موضوع:	Djait, Hichem - Views on Middle East Specialists
موضوع:	اسلام - تجدید حیات فکری - تاریخ - قرن ۲۰ م. - مقاله‌ها و خطابه‌ها.
موضوع:	Islamic renewal - History - 20 th century- Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده:	بلقزیز، عبدالاله، گردآورنده
شناسه افزوده:	Balqaziz, Abdal-Ilah
شناسه افزوده:	ناصری طاهری، عبدالله، ۱۳۳۹ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره:	BP ۲۲۹/۳
رده‌بندی دیویی:	۲۹۷/۴۸۶
شماره کتابشناسی ملی:	۷۶۲۴۱۷۵



تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴ - ۱۳۱۴۵
 دفتر: ۰۲۱-۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۰۲۱-۶۶۴۱۴۰۴۶ - ۰۲۱-۶۶۴۸۴۶۱۲ فاکس: ۰۲۱-۶۶۴۰۳۰۲۷ فروشگاه: ۰۲۱-۶۶۴۶۷۸۴۸
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>
 تخفیف و ارسال رایگان: www.morvarid.pub



تاریخ‌مندی توسعه
 از نگاه هشام جعیت
 ترجمه دکتر عبدالله ناصری طاهری
 تولید فنی: الناز ایلی
 صفحه‌آرایی: تینا حسامی
 چاپ اول: زمستان ۱۴۰۰
 لیتوگرافی: سبب
 چاپ و صحافی: الفبا
 تیراژ: ۵۵۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۹۲۰-۹ ISBN: 978-964-191-920-9

۶۵۰۰۰ تومان

فهرست

- مقدمه‌ی مترجم..... ۵
- شاخص‌های ایدئولوژیک در اندیشه‌ی هشام جمیع / محمد القیلانی..... ۱۹
- تجربه‌ی وحیانی و نبوی / احمد الصادقی..... ۴۹
- هشام جمیع و اسلام کنونی / نبیل فازیو..... ۱۰۱
- «شخصیت اسلامی از نگاه هشام جمیع» / عبداللطیف فتح‌الدین..... ۱۲۵
- بحران فرهنگ اسلامی / محمد الشیخ..... ۱۳۹
- اسلام و غرب از دیدگاه هشام جمیع (از توهم تا واقعیت) / عبدالعالی معزوز..... ۱۴۹
- اسلام و اروپا / مولیم عروسی..... ۱۷۱
- توسعه‌ی ژاپن، عقب‌ماندگی مسلمانان / توفیق رشد..... ۱۸۱
- کاوش‌هایی در تاریخ کوفه / عبدالمجید الجهاد..... ۱۸۹
- کاوش‌هایی در تاریخ مغرب و اندلس با نگاهی به کتاب هشام جمیع / عمر بوفتاس..... ۲۰۵

مقدمه مترجم

تاریخمندی توسعه و اندیشه دینی

هرچند از طلوع و ظهور گفتمان نواندیشی دینی در جهان اسلام یک سده می‌گذرد اما باید پذیرفت اولاً ریشه این نواندیشی در کلام وحی و رویکرد تأویلی آن نهفته است و طی بیش از هزار سال از تاریخ اندیشه اسلامی، افرادی نادر گلب این نواندیشی را عرضه کرده‌اند، از جمله ابوحیان توحیدی، ابوالعلا معری، ابن رشد اندلسی.

ثانیاً در سه دهه گذشته «نو تولیدی اندیشه دینی» آن‌چنان به رشد و بلوغ رسیده که خاورشناسی و اسلام‌شناسی غربی را به تفکر و مطالعه واداشته است. یکی از این نواندیشان مولد «هشام جعیت» متفکر تونس است. او با تحصیل در تاریخ اسلام و متأثر از انقلاب فرانسه، مورخی آنالیست و توسعه‌نگر شد. «تاریخ تطبیقی اسلام» محور اصلی تألیفات و پژوهش‌های اوست. او و همفکرانش مانند محمد ارگون، محمد عابد جابری، عبدالمجید شرفی، عبدالله عروی، حسن حنفی، عزیز عظمه، طیب تیزی، علی اوملیل و... کسانی‌اند که با تحلیل عصری آراء قسطنطین زریق، آلبرت حورانی و محمد طالبی مکتب «نهضت‌گرایی مدرن» را تأسیس کردند. یعنی با هم‌زبانی با مدرنیته نقل اندیشه خود را بر هویت، مدرنیته، جهانی شدن، اسلام و غرب، من و دیگری نهادند. هشام جعیت مردی فلسفی است که با تکیه بر تاریخ و

جامعه‌شناسی و تفکر امثال هگل و اقبال لاهوری و مرلوپونتی^۱ نوسازی اندیشه را سامان داد. نمونه کامل این نگرش هشام را در کتابش، «الشخصية العربية الاسلامية و المصير العربي» می‌توان درک کرد.

پایه اول سازه فکری جعيط، نگاه او به دین است و در این مسیر از بررسی تطبیقی ادیان بهره می‌گیرد و قرآن را بهترین منبع این بررسی می‌داند و امیدوار است با این کار، مسلمانان از لاک خود بیرون جسته و افق تنگ اندیشه را وسعت بخشند. او می‌نویسد: «از قرآن چنین برمی‌آید که وحی الهی به پیامبران به گونه پیامی درونی یعنی همچون تأثیر روانی جاری می‌گردد، آن هم نه «هوشیاری کامل»^۲ و در تعبیر دیگری معتقد است دین به مثابه روح بشر است که همواره در دوره کودکی به سر می‌برد^۳ و عقل باید با ورود به عصر جدید و گذر از دین، رهایی یابد تا دیدگانش میخکوب زمین فقط نباشد.^۴ هشام می‌خواهد بگوید عقل منتقد فلسفی که اندیشیدن در اصول متافیزیک را دنبال می‌کند، این مأموریت را که بازگشت به تأویل اسلام است برعهده دارد.^۵ و در این مسیر پرنالایی، هشام جعيط نقد منابع تاریخی را چراغ خود کرده، روایت‌های تاریخی را مشکافی کرده و با ارائه قرائت تاریخی و تطبیقی از آن می‌کوشد نقاط ضعف و اغراق‌ها و اسطوره‌پردازی آن را کشف کند تا منابع تاریخی را به ماده‌ای قابل استناد تبدیل کند. شمار اندکی از مورخان مسلمان مانند جعيط و عبدالعزیز دوری و عبدالله عروی به غربالگری منابع تاریخی اهمیت می‌دهند. او درصدد است تا با بیان تاریخ‌مندی دین، راه نفوذ اسلام در حیطه

۱. موریس مرلوپونتی فیلسوف پدیدارشناس قرن بیستم (۱۹۶۱-۱۹۰۸) و نافی دوگانگی ابژه و سوژه و مشهورترین پدیدارشناس ادراکی. کتاب «جهان ادراک» او که به فارسی نیز برگشته، مهم‌ترین اثر اوست.

۲. جعيط، منش پیامبران، ترجمه حمید طیبیان، تهران، ۱۳۸۸ش، ص ۲۱.

۳. همو، الشخصية العربية الاسلامية و المصير العربي، بیروت، ۲۰۱۰م، ص ۱۳۹.

۴. همان.

۵. همان، ص ۱۴۴.

جهان بشری را از طریق حاکمیت نشان دهد^۱ و به صراحت اسلام را دین حکومت می‌داند^۲، اما تا حدی که بازیچه اهداف سیاسی حاکم نباشد.^۳ او نام این پیوستگی و تلازم مطلوب را «نمونه کیفی»^۴ می‌گذارد که طی آن، به‌روز شدن مسلمان از نظر فرهنگی بر هر چیزی مقدم است^۵، و در نتیجه، آنگاه دینی که در نظر عیان است، منطبق بر اخلاق و وجدان است که جعیت از آن به «ایدئولوژی توسعه»^۶ تعبیر می‌کند. اما باید تأکید کرد او از اسلام سیاسی رایج کاملاً مبرا است.^۷

هشام در دو کتاب «الوحی و القرآن و النبوة» بر ثبت یک فرضیه حقیقت‌یافته اصرار می‌ورزد و آن: ملازمه اسلام با دولت برخلاف ادیان دیگر^۸ و تداوم دعوت اسلام را مدیون تشکیل دولت می‌داند.^۹

هشام علاوه بر آن که سعی دارد مانند محمداحمد خلف‌الله مصری قرآن را از حیطه استفاده اناری سیاستمداران دور نگه دارد، در تلاش است مفهوم حکومت یا پادشاهی را مثل همین متفکر معاصر مصری در کنار نبوت معنا کند. محمداحمد خلف‌الله در کتاب «مفاهیم قرآنی»^{۱۰} که هشام جعیت خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر اوست معتقد است:

خداوند در میان مردم هم پادشاهانی برگزیده و هم پیامبرانی، و به هر کدام حقوقی الهی اعطا کرده است. پیامبران متولی امور دینی‌اند و پادشاهان متولی امور دنیوی، او با استناد به آیات مختلف قرآن نشان می‌دهد که در

۱. همان، ص ۱۴۲-۱۴۳.

۲. همان، ص ۱۳۴.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۳.

۵. همان، ص ۲۳۲-۲۳۳.

۶. همان، ص ۲۳۴.

۷. ر. ک: به مقاله ششم: اسلام و غرب از دیدگاه هشام جعیت.

۸. بیروت، ۲۰۰۸م، ص ۸۵.

۹. همان، ص ۱۰، ۷۵.

۱۰. علاوه بر آن، در دو کتاب «الفن القصص فی القرآن الکریم» و «القرآن و الدولة» همین رویکرد را دنبال می‌کند.

کسانی همچون سلیمان، این دو خصوصیت در یک نفر جمع شده است که در این حالت دین و دولت در نظامی واحد جمع می‌شوند. اما گاهی فردی مثل طالوت فقط پادشاهی به او داده شده و فردی همچون پیامبر اسلام فقط به‌عنوان پیامبر و نبی برگزیده شده است. برای اثبات این دسته‌بندی، او ابتدا ریشه دو واژه «نبی» و «ملک» را بررسی می‌کند و با ارجاع به مشتقات مختلف آن‌ها در قرآن می‌کوشد معنایشان را روشن و تفاوت بین این دو منصب را مشخص کند. درنهایت، چندین دلیل ارائه می‌کند: ابتدا این‌که قرآن هرگز پیامبر اسلام را با واژه «نبیاً ملکاً» خطاب نکرده بلکه همیشه بر «نبیاً رسولاً» تأکید دارد. دیگر این‌که حکومت پیامبر، چه در یثرب و چه در باقی شبه‌جزیره، از جانب خداوند به او اعطا شده و فرمانبری از پیامبر بر اساس فرمانبری از خداوند بود، نه اطاعت از شخص او. سوم این‌که این حکومت مخصوص همین مرحله از حیات جامعه اسلامی بوده و به دیگر مراحل تعمیم داده نمی‌شود. حکومت اسلامی در مراحل بعدی مبتنی بر قدرتی است که از جامعه اسلامی برآمده، نه از جانب خداوند. مصلطه پیامبر ناشی از اتصال او به وحی الهی بوده که بعد از او قابل تکرار نیست و بنابراین نمی‌توان نتیجه گرفت که اسلام دین و دولت را همزمان دارد.

در کنار این رویکرد، هنر دوگانه دیگر جعیط یعنی بررسی موشکافانه قرآن در کنار تورات و انجیل و وفاداری به تردید در منابع اولیه اسلامی و مراجعه به منابع غیراسلامی (یهودی و مسیحی و زرتشتی)، باعث شده تا دین را قراردادی الهی (در مقابل فقه و شریعت که حاصل فکر بشر است) و قانونگذاری بشری را محصول تفکر زمانی و مکانی و تغییرپذیر بدانند. این متفکر تونس‌سی همان‌طور که گفته شد، با منابع اولیه تاریخ اسلام، جسورانه (و درعین حال عقلانی) مناقشه می‌کند تا تاریخ صدر اسلام را نه آن‌گونه که «جان ونز برو»^۱ می‌گوید تاریخ رستگاری دینی است، به‌عنوان یک تاریخ

۱ John Edward wansbrough (۲۰۰۲-۱۹۲۸) استاد فقیه هاروارد و یکی از اسلام‌شناسان

مشهور مدرسه خاورشناسی که راه گلدنسیهر و ژوزف شاخنت در نقد منابع اولیه اسلامی پیمود.

علمی تصویر کند و همین تصویر است که «تاریخمندی وحی و نبوت» را روشن می‌کند. به نظر نگارنده رمز این توفیق جعیط «واکردن اجزای ساختمان روایت یا همان روش واسازی (Deconstruction) است.

هشام در چارچوب «ضرورت حکومت»، تمدن‌نگری اسلام را با ساخت شهر مهندسی‌شده از همان آغاز فتوح به رخ می‌کشد، با دو کتاب یکی ساده‌تر، به نام «تأسیس الغرب الاسلامی»^۱ که در دوره جوانی نوشته و تاریخ مغرب اسلامی را بر اساس اقتصاد، فرهنگ، جامعه و مذهب تفسیر می‌کند. او سازماندهی پس از مرحله فتح مغرب را نقطه عطفی در تاریخ مغرب از طرابلس تا اقیانوس اطلس محسوب می‌کند. از نظر او مغرب هویت خود به مدت چهارده قرن و نیز عربی و مسلمان بودنش را مدیون آن دوران است. موضوع تنها زبان و دین نیست، اگرچه این دو عامل اهمیت بسیار دارند، اما ورود به تمدنی گسترده (فرهنگ و تمدن اسلامی) و مشارکت در ساخت آن و طرح موضوعات بسیار مهمی همانند شیوه زندگی، ساختارهای سیاسی و اجتماعی، فرهنگ عامه و نخبگان (رسمی) در کنار جنبش‌ها و آشوب‌ها و فروپاشی‌ها در طی بیش از هزار سال مدنظر است. کتاب دیگر، به نام «کوفه، پیدایش شهر اسلامی»^۲ فنی‌تر و علمی‌تر و رساله دکتری او در تاریخ اسلام است.

اهتمام او به تاریخ شهر خصوصیتی است که آثار تاریخی جعیط را متمایز می‌سازد. این شاخه از علم تاریخ در گذشته شکوفا بود ولی بعد از ابن‌خلدون و مقریزی، علم تاریخ و از جمله شهرنگاری (تاریخ امصار) دچار افول شد تا آن‌که در نیمه قرن بیستم مورخان مثل صالح احمد علی و نقولا زیاده، بار دیگر آن را زنده کردند. جعیط توجه خواننده را به موضوعاتی مثل فلسفه توزیع مکانی قبایل، مفهوم اسلامی شهر، عصیت‌های قبیله‌ای و عصیت کوفی، رمز دینی و اجتماعی، ظرفیت‌های سیاسی کوفه و... جلب

۱. بیروت، دارالطلیعه، ۲۰۰۸.

۲. ترجمه ابوالحسن سرو قدم، مشهد، ۱۳۹۳ش.

می‌کند. هشام جعیت به‌خوبی توانست از سطح روایت صرف چگونگی بنا نهادن شهری در دوران اسلام فراتر رفته و به آنچه که در ورای ساختن شهر نهفته، بپردازد.

اندیشه شهرسازی در تمدن اسلامی، چالشی است که غرب از ابتدا و خصوصاً بعد از تکوین دیسیپلین «جغرافیای تاریخی» در نظام آموزش دانشگاهی^۱ با آن درگیر بود. آنچه مسلم است این حوزه از دانش ترکیبی و بینارشته‌ای با ظهور مکتوب تاریخ‌نگاری آنان و مساعی فرنان برودل مهم شد. برودل که مورخی وابسته به مکان بود، برای منظره (جلگه، دشت، کوه، رود و...) در تاریخ نقش مهمی قائل بود. البته جا دارد از دانشمندان غربی در این حوزه همچون کارل سائر، هارتسون، لئونارد کلکه، آلن باکر یاد کرد. اما منازعه جدی میل دو دیدگاه غربی در مورد «اسلام شهری» بعد از جنگ دوم جهانی که بخش بزرگی از اروپا نابود شد ظهور کرد، زمانی که «هانری پیرن» مورخ بلژیکی کتاب خود به نام «شهرهای قرون وسطایی: ریشه‌های آن‌ها و احیای تجارت»^۲ را منتشر کرد.

از آن پس در غرب شاهد بلوک‌بندی دوگانه در مورد «شهرسازی» در اسلام که بی‌تردید جلوه مهمی از درک توسعه و یا به تعبیر هشام جعیت نشان مهمی از «ایدئولوژی توسعه» است، هستیم.

گروهی مثل لوئیس مامفورد^۳، هنری پیرن^۴، برنارد لوئیس^۵، کلود کاهن^۶، ساموئل اشترن^۷، ماکس وبر^۸، جان پلاوت^۹، گزاویه دوپلانول^{۱۰}، توین بی^{۱۱}، ژان سواژه^{۱۲} مخالف نقش اسلام در پیدایش شهر هستند و دیگرانی مثل

۱. سال ۱۹۸۴، مؤسسه جغرافی دانان انگلیس رشته‌های تخصصی جغرافیا را به سه رشته و از جمله جغرافیای تاریخی تجزیه و تنظیم کرد. البته برخی اعتقاد دارند فیلیپ کُپور آلمانی در سال ۱۶۱۶ با نشر «جغرافیای تاریخی آلمان» این مفهوم بینارشته‌ای را جاسباری کرد.

2. Medieval cities: their origins and the Revival of Trade (1927)

3. Luis Mumford

4. Henri Pirenne

5. Bernard Lewis

6. Claude Cahen

7. Samuel M. Stern

8. Max Weber

9. Joun Plauth

10. Xavier de Planhol

11. Arnold Toynbee

12. Jean Sauvaget

ریچارد بولت^۱، موریس لومبارد^۲، هاجسن^۳، ماکسیم رودنسون^۴ و... موافق سهم اسلام در تمدن شهری هستند. صدای مخالفان خیلی بلندتر بود و همین موجب شد تا در جهان اسلام عربی، احمد صالح العلی^۵، سلمی خضراء جیوسی^۶ و هشام جعیط با شاهکارش «کوفه، پیدایش شهر اسلامی» به این وجه توسعه محوری اسلام توجه کنند.

هشام جعیط در کتاب کوفه خود در نقش یک مورخ آنالیست به خوبی لزوم فهم جغرافیایی در تاریخ و ارتباط تمدن اسلامی با شهرسازی و برنامه ریزی شهر را تبیین می کند و شرح می دهد که از مظاهر جنبش خلافتانۀ تمدن اسلامی همین تأسیسات زیربنایی است که در ساخت کوفه هویدا است.^۷

تشریح ویژگی کوفه، چشم انداز اولیه شهر، شهرسازی و اسکان، تأثیر حوادث سیاسی مثل قیام مختار ثقفی، جنبش شیب و قیام زید بن علی بر توپوگرافی شهر، اوج نکته سنجی و نوآوری اوست. نتیجه گیری پایانی هشام جعیط خواندنی است.^۸

چهره شهری کوفه، و فرجام آن

خودسازی و خوددوراندگی یک شهر هرگز به پایان نمی رسد. تپش های وجود آن به مردمی بستگی دارد که در آن زندگی می کنند، به امواج انسانی ای که آن را احاطه کرده اند و نیز به نوسانات تاریخی که در بعضی لحظات آن، قدرت سیاسی حاکم، سازندگی ویژه ای از خود نشان می دهد و قادر است با

1. Richard Bulliet

2. Maurice Lombard

3. Marshall G.S. Hodgson

4. Maxime Rodinson

۵. بغداد، مدینة السلام،...، بغداد، ۱۹۸۵.

۶. با اثر «میراث اسپانیای مسلمان» که به فارسی برگشته و نشر شده است. و آثاری از جمله «بلاغ اسلامی»، «تمدن اسلامی در سیسیل» و «تمدن اسلامی در پرتغال» که در مرحله پژوهش گروهی هستند.

۷. ر. ک: بخش ششم همین کتاب (تاریخ تمدنی توسعه...).

۸. کوفه، پیدایش شهر اسلامی، ص ۳۸۹-۳۹۲.